	and a second			
	اول اصلاح اقتصا دے ا	· * * •	مدين مال اول	
· محمد المعدين ٢ ، ر مضان الديارك، ٢٤١ ، (٣٩١) ، (٣٩١) م آون بل ٢٢ ٩ ٩ معدين	and so the second state and the second second second states of the	4	79 4:2 0	
این روزنامه بدون نقاضای کتبی برای کسی ارسال تسدود			the second se	
	atter a start and and all	داور نماینده دار الشو رای ملی	، الله المحاكة صاحب المتياز ومدير أمسئول ،	
: بندا مربحة (المترين الله : مربعة عليه مربعة المتركة : مربعة المتركة الم	the server a start for	× + + + + + + + + + + + + + + + + + + +	المحمد	
ن - رو الله بر خانج، خدید بودن از از مطالوله، با عند دینهاهه مستحده ما مربو بودن. و این هرو نام محمد داخاه این ایم این در اوران به کاه فران ما قراری که این به این می این این این این این این این			صفحه اول المحمد اول المحمد اول المحمد اول المحمد المحم المحمد المحمد المحم المحمد المحم المحمد المحم المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحم المحم المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحم	i. Ta
ر ما دی است خارجه است می است در اس		the second se		
فيتجمع الله شماره في شاهي است .		ن خبابان علاء الدوله		
		and the second		
the second se	دادند و اعلان مخالفت کردند به این	- ، این حرف حساب بخرج اقابان	اد باوداشت نومند اسی، ما	
A start der and en son & di istel i der start i der	The as the same still be lake	، أرفت – تصديق كردند كه تمابل		
مر المر الم الم الم الم الم الم الم الم الذي أطل كار ان الجار الحاله الرادر ان طوما قبا الس	a the state of the second s	بمـ تو في خبط بود ولي حاضر نشد ند	۲۸ حمل	
منتج المبجه من شود و أوضاع بر الله في تكلمه في هذوز دوام دارد من ما الم	clc 9		alentiere interiore	
الله المعالي مورد و بوطاع بی معمدی مرور و از الجار آن الجار الحا الله مذ کور ^{ر،} فوق کمال لزوم	کدا مشان جامبر شده اند که .		بعضی از موآدمین حکومت راه	
دارد و قريبا استذ لحصيل نتبجه مطلوب مبرود باين واسطه با عموم آقايان و	ایر رفقای خود را تنها بکذارند	معمد اجاج اقایان باعث ثد که عد.	علاج تازه شی بعقلشان ر ـ یده : شهرت	
خوالين ومؤسسات خبريه وغبره علان وإطارهمي شود محض خالمه دادن اينوضع	کیست که این بی غیر تبی وا بخود	از تتلاف بيرون آمدند و رسا	ه می دهند که مخالفت های اخیر تمام	34
۱۰ انتظار وبئ الکلیفی طالبین روز خمعه ۴ شهر رمضان ساساعت بند ازظهردر منزل	بغر د می است که به می است است. بخر د می است می مارد ا	برفقامی سابق بینام دادند . ما با	ی معد - بحد لله وجو د مبارك اتا .	
د کتر رافایل اقاباتهان در خبابان علاء الدو له جنب مبدان تو پخانه نمر. ۵حضور	and the start of the second	، دولت بی حال مستوفی مخالفیم _	» محکر شندری ندارد	
"بهم ارتا نبلاه امر آن در مور امایند" من که جا این معین مماهم می ا	جه خوب است بکوئید نا همه		این انتشار نی اگر چر اشتبا ، کاری	
نمره اعلان 11 م بلا من المن المن المن المن المن المن المن	» بشنا سند اسم ان مرد با شر ف			
the say in the same is a set of the same is and the same is a set of the	م جيست في المانية المان موالية المانية ا	مسالم و روز از این پیغام گذشت .	میں قبود مزہ ٹی داشت 😑 ایا درجہ ^ا	
	and we have a state of the search of the	ا اجتماعيون اقا را در تحت حما بت خود	اشتیاه کاری وقتی به این پایه رسید	
عقبهم مانده است ، المجمع ما محمد ما محمد ما منا ما ما منا من شيوطى في جمياهي ا من "بابن"جمت است كه فرانسه وبلزبك المناصفيا مناه مستهم مع	الما خير کے مخالمین ز ديد ان در	کر فتند و بیانیه ش که می داید منتشر	نی شود سکوت کردو خندید :	
اعلام کرد. اند تا زمانی کا پیشنها دات محسلا می است د.	رفته اند — هیچ کس به اقا سر	The second s	م مسلمه محقیقت اور غید از این هسا . محقیقت اور غید از این هسا .	jah.
مرَّح وَ قُمَّا عَلَى قُمَوْلَ إِذْ طَرِفًا آلمان الله الله المريخجة بوطي ينجهاهي را در	نسپترده و يقين داريم که اخوا هد			
نتود اشغال روغر اذامة خواهد داشت من مقالات قبل خوانديد و هديد كه اين		به بلک ، نفر از مخالفین خکو مت	is - I stationally and	
معتبم المندن سباست آلمان کے ذراع مسئلہ مانند یک الری است مضحک ۔ مقادمہ عقبہ المان کے المان کے ذراع الوبول بوف ۔ کہ آکبور ہای مہم			میچه من المای با مستو بی جیچو قت طر فدار . ا	
	بر ملايت مخالفين نقط بك عات	. شرحی در ج اید . نشر داد که من	زبادے در مجلس نداشت ، غالب	
الذه الته ترامان بالمان في في المان الم	درد و س .	مخالف با دوك نيستم . از طرف	منحوبكا إقارا خوبة مى شناختند م	
حواص المن ويدون ووقع ومن المنهي الزاماني ودر وت محد فأثر هودست	المجرج هنوز البذو وبهكة سلير ونشاعة	and a faith of the stand of the local to the a	ماء فجرسه غيراز موستلن مستوفى ا	
المجاني المنال ووهو المرامة الحانب كار مي سند مي بند		۔ دو نفر دیکر ہم وکالے کرد وکہت		

.

ا ایر، دی (۵ جسر در مصبرت ایسه، می ا

	المجامعة على از اشغال ووغو مسامدرات	The state of the second states and the	and the set of the state of the set of the	
المعنى الأيد از خود بي پرسيد : مېزار	٢ المان وياد تر از واردان أو ارد ا	التلاف فست از لجاج بالشند و	این دو رفیق من هم با انا مغالمت	المستريحة المو دلين و بضرب الحراز - يس
	ابن حبت (المان بر المام مما لك ارو با -	معه به اتباق از اقا استنبا ، به» معرف الماري الماري الماري المنابع		المجلف مالا منعن ما تك ودو - عدمان را
را بوجود اورده ا	القوقي داشت	the state of the state of the state of the state of the	The factor in the state	
ارَم از خَوْدٍ كَبْلَانِي هَا بَشْتُوبِ	المروز المدور من در التبلجة اشغال تراوهزم	م خواهيم ، بي ي ي م		
خُوْ اهند كَفت دويت هزار لومان –	محديد معادرات الدان مع الدر	المعقم مجلس بانات مجلس -	يك تفر سايز افرا فالمجمعيت جديد	حالی سابق را بدارند ، به معالما
بکصدو بنجناء هزار نومان و کمتو ر	از واردات آن کمتر شده اب ۲۰۶	اطلاع دارند می دانند که از سجند	the second of the second second	it is a state of the state
رة، ي كه بنياى شما ذكر كنند دو	المحمد المعان ما درات قطعًا واردات دا		همه با هم مآندند و نگفتند ما	قد م مع بكذ اوند بياليد · · · ·
سى يجهزار است المي الم	ازياد مبكنة الزدياد واردات باعلى اراني	روز قبل دلائل این امید وارسیم		قده - بلد اوند باليد :
المجتب الحتب الحرار أز دست المحادي	زندكاني أز بكطرف ف و انزل قبعت	ببشتر از سابق فوت کرفته و شاید.	The second se	الماماء شماري المحر علامة منف ارادهاي
باداره کل کر کات مراجعه کردیم	المارك از طرف ديكر خواهد بود .	ه.ين دوسه روزه مښتونې ترود	the presenter the star press	ور ایشان دیده شد ـــد ون مطلی
للمبزان بونجى كەدر چيار سال متوال	- اين لما همه ورشكت كي آ لمان الراهم		بالمجرا في براي اينكه مخالفين	
قبل از جنگ در سنوا ای که امند مرا ا	مى كنيد و همج دو لتملى ممبتو اسد در.	و هيئت آئٽلاف از نو اڄان :	" بقصد تهدند بنائي مخالفت فكذاشتند	المجاجب هم حکومت را عوض خوا هید 🖉
کابل موجود بوده _ از کبلان بروس	· مقابل آن استقامت چنما يد * مسيس	بكير د .	– از دولت کار و مقام آ.یخواستند	Companya and a companya she and an and and and and and and and a south and and a south and a south and an and a
رفته از روی احصائبه های محبح بد۔ آورڈیم آبر طبق این اطلاعات		C C C		معد المن المن المن المن المن المن المن المن
ا وردیم ، بر طبق این اطلاعات در ۱۳۲۸ ۲۰۰	آلمان در آنبه خَبِلى نزديكى فاقطا	A Way Thomas I such	– و بر خلاف تمام انتشارات بی	and the second of the second of the St
	شود المربع المربع المربع		الملى كه ازطرف هوا خواهان مستوفى	الم
در ۱۳۳۰	هبج ملتى با لبداهه بدو لتخو داجازه نمبدهد	ير المات ورغاره		حرف – مز تکرار = نجز بی
	سباستی الغاد کند کاو را بدیلاکتم	a na shekara na shekara ka shekara ta shekara 🕶 🖓 🖓 🖓 na shekara ta she	داده می شود 🗕 فقط چون به	
برنج إز ايالت كېلان بروسېدچه	و ملاکت شوق دهد . بنابراین نه فقط	ا مسئله اشغال روهر مع م	مسامحه کارسین و بی غزمی اقا مطدن	می میں عزمیٰ ہیچ در این وجود محترم کے
	حکومت فعلی آ لمان از مبان خوا مد		شدند مغالفت كرده اند	Lineer Collecter letter wellen australien
شده به ایر خود شقه از این می کند اور ریاضیات عالیه تما بت می کند	رفت بلکه خزبی که دوات فعلی متکی	بی سبم پاریس ارقام صادرات دوغال .		he do not the analysis of the second s
که مابین خند رقم نزدیك به رقم حقبة		رااز روهن به فرانسه و بلژیك دروز اشاه داد اخترام افتال	بند با این حال چطور مکن ست.	م م جماعتی از این تر تیب مشمئز شدند مدر سند و م
معدل حسابی آنها از همه به حقبة	المباو استاز اعتبارانش فوق العاده كاسته	اشاعت داد : در ابتدای اشغال به روزی سوصد ان ۵ قد زیره از اشعال که مفال	بموافقت بركردند ؛	المعالمة المحمد المحمد المواد التلاف كفتند مى دينيد
، نزدیک ار است . بنا بر این اک	خواهد شد مراجع المربع والمربع والمربع المربع	سمصد ان (قريب هزار خروار) دوغال	م می	المحرد كاربست المستوفى مرد كاربست المساوقت
معدل حسابی چهارسال فوق را بکمر		بفرانسه و بلژيك ميرنت ، تشكير شد		
بخواهبد دید که در بک سال عادی -	که اربابان کار خانه جات آ لمان الخاذ	حالبه روزی ۸۰۰۰ این بعنی نقریبا ۲	می خواهند مخالفین حکومت را	ه من مناكب معلكتي را بالا حظه و
که اجارت کاملا آزاد و امنیت خا	ب کر داد اللہ مو فقبت پندا نکرد وطالم ہے	الممت أو شمن مزار خروار دوغال كمل	نا این درجه سست عنص و بی منز .	ی بسبر (روی در بایستی نسی شود تلف کرد
فرما باشدية مدران نوزده ملبون	کہ مشغول آیامور دیگر ی بود نے مثـل	مَى شَوْد أين ارقام ذو مَ مُله را تا أَتَ		
سیصد و چهل و سه هزار و چهار ضد	ابنت کے ممثلہ تصرف روہررا برسمبت	المي كنند .	جلوه دهند ؟	ب يانيد كسى را كه باشتباه اورده
جهل من و نېم لېرېز پرنج از کېلا	شناخته و عقبه مند باشد که نا قضبه	می کنند . اول اینکه رویه و مثنی فرانسه و	کدام یک از آن مضالمینی که	الما الم خود مان مرخص كنيم - والااكثريت
بروسيه مىدود	غُرامات فصفيه نددة إبن اشغال ادامه	باژيك مؤفقېت حاصل آرده		
بروسهه می دود اکر هر پوط برنج را پنج من	خواهدد اشت المراجعة المراجعة		حیثیت و شرف خودشان را به کرو	متلاشی خواهد شد



10 Same 1 among Pa

🌾 شمار. ۴۳

الیته چنین زنی برای شو هر خود بسیار خو بست جه آن مرد هستم زن لخود زا وجبهترین زنان دید. از کفتار و کردار و رفتارش خوشنو د می کردد!... در معاشرت و جااست با آین زن هر زخمت و مشقت و نمام بَدّیها را فرادوش مُبنماید ٢ ــ بوسا بل مقتصبه خو شنو دى و مدرنت براى شو هرش قراهم الما يَدَ مَحْصو صا

بالخلاق و عادات و الما لات حتى كو حك الرين الكات راكا الا مطلح بوده افسرد كي کدورت ها آبکه بواسطهٔ معا شرت و داد وستد و غبر، در خارج برای قرد حادث شده و به مترل مراجعت کرده است به زودی مبدل به خو ش وقتی آ الفريح دمايد . wy filler while a major i de a mater a braker

دستور و نصابحی که از شوّهر، می شنو د هر کز فراموش نکنند وحتی مُتَبِد شد که برای بکدفعه هم شوهر را از خود نرنجاند چه زنجش و کدولات محاسن ا زشت جلوم مبدّهد و خوبی ها بد بنظر مهاید و روز بروز افزده شدهٔ ام جز المتفرقة خواهد كرديد 🌱 🗕 قناعتکاروخا نه دار باشد مخارج بی رویه وغېر منظمی که برحب ضرورت برای مرد الفاق مبافتد بابد زن خُوب جبران أماید من بشرط آنکه مرد چون مستطبع شود زن دیکر اختبار نگتد ! . ؟ . ، زن خوب باید از دخل و خرج شوهرش مَنْجُوْقٌ بَوْدَهُ هَبْجُو قت خد أهشهای ال بهبدوقع نتما بد المحمدة علم من المحمد بستين عامد بحم مماع الم الميته هو شوهرى ما ل است كه ترقش با لباشهاى ملون و قشنك و قشنك و لر They have take a set of the set o ا ی ک زنبکه هم برای شوهرش و هم برای وطنش خوب باشد زنبی است ک زانده کمای خو درا از کودکی بوطن پرستی و خدمت بوطن شجاعت جواندژدی السعي جديت و درستي: نوابيب تما بد و حتى الامكان احتباجات خود را از مندوجات

الم و عماد واللي وطني و فع د. و ده و باشياء خارجي و قعي فكذارد ، م الله بعقبدة ايذه زقبكا داراى اوضاف مذكورها باتضمام هعبت تواعدق سرشار كُ إساس زَنوشوه ويست بأشد آنزن خوب استواكر خطاى مكرده كاهى عم بدا كالى أفتد آن مرد جنما أز عذاب آخوت أماف منما لد الا من ما زيرا كه جنهم خود را در دنيا سبر محرده است .

دموت برای عده از کلبسبان وزردشتی از فلاحت و نجارت انتهاب شد ند خود را به نوسته و استحکام مروابط الما و مستعبان ارسان شد کارود تر معامع الم مند مدی به مدینه ا نجارني دوسيا إيرانو عنماني بدين وسبله انظار آنها لشكيل كردد - از من و المناس اجهار واجل ا بنج نفری کی برای تشکیل هفت حوزم ا می بده شر ای کا ا این هری د برای سمب سب می ورد نظار دهوت شده بودند بعضبها قبول و اده می انتیکبل شهبندری د- ا مراغات دیروز صبح پنج نفرالاغ . آ تی است ای است ای است ای است ای اس شاندری حکومت دلئ افتره برای مقود كرديده استكم انجهن نظارت المستر مبتدل أمريكاني كم شابقا ر تبس كل البات هاى غبر مستقيم مودند ووز كذشته از طرف حكومت رومه ا بهریاست ردآد مطرق وشوارغ از طرف وزارت المجتات در عمارت جش شهیندوی خطور ا بر ند. ا

بعضبها رد کردند سیسیسیسی ایر کے الا میں مشہد نے بر جنب دعوالی کہ قبلا دارازرعایای شودجہ از مراغہ می و نتند ر آبس کل طرق و شوارع بر ملک اور اشن آبستی شده بود. امروز شه از آنها به آبر طکراف خورد. و منزش ساعت بعدازظهر كفيل أيالته و رؤساء أرا متلائق أموده فورا فوت مي شود مدابات بالشكرى و حدودى و ساير رفقاى او جنازه آش دا فخانه اس مى

بهم رسا تبدريس اي سرف شر بتوشير بني ببری را افرا شتند او نطق منصسلی در الحاد إسلام و آبران اراد و مجاس را الله و الد ، باد الجد از ان دول اسلامی ختم الدو دند در العقب دايورت قبال عرض بمی شود زشب جنبن از مندای خمیدار. اسب درشکه رم کرده پك نتیس از قام با مجروح جون فا بل علاج است بر بض ا خانه بر دند المجمع وحدة المح

الله الجريف المعقق ما يعني عام المعالي . ورود به منحل ال بالنا الجريم محمد إنها الجريم وجرا الله تجارلان المنبت حاصل از ديروز اله طنت الالعامة كريك ماعت بغروب الشت هوا، بشدت سرد و المتنول آبار بدن است بك مقدارى هم قرف آمده است ا بزيروز عصرًا متحدد آقا خان خاكم و الميدود خان آما ينده معارف أحيناوان به محل لهالهوريت بالخود وارد وو مشفسول النجام وظبفة مئابشدته يخ اسبه

a a to Me all while sale اعدام مارق بالاشدة و رعدام مارق خوى ــــ مى قام مشهور به بيج

را كه فجايع أعمال أو شايةًا به عرض رسېده است يو خسب امر فوغانده کل قوای آ ذربایجان امروز عصر از طرف فر مانده نظامی و ساندانی خوی به دار آويغته و اعدام شد ي Int all and recall المرار احو كت مكومت ...

رشت - آياى نين الملطان حكمران سابق إمروز سيجاني أنزل كغبل حكومت الم المثل بعت شايان تقد برى إذ طرف ملبون بعارف تاب المنوان عزيمته يودن حديث في وي لا المعالية عنه الله عنه الله

در بك فرسخى شهر نصادفا بك نفر

and a finger where a strate of the state المحال خشم بى در بى در ياد مبكر د: اللبف جبت؟ چه باید . برد ۲ و ای به این این این این این این این ٔ عاقبت زوز شنبه از پستخانه کاغذی در یافت نَشُودَ كَهُ شَاخَبٌ مُبْهِمًا نِعَانَهُ ﴿ فَرَا نَكُلُنَ ﴾ إذ ياريس فرستادة بود ٢ مما الم الم الم الم مِضمون كاغذ إز ابن قرار بَوْدَ : ﴿ اوْ دَرْ (كَانَ) يبا دەشدە بطرف (سن رَمُو)غزينت تموده دېھما فخا د الاس الے اکلاریس ان میں دو الیاسلہ ا میں کا کاغذ بتاریخ روز کذشته بود لوین کهت : عجب الآنها الاساينجا عبور كرده اند من خبال الى كردم كه يكى از ماسه نفر بايد وكاردام آجس بما قد الي فزا قوش فمودم. آنوقت با رفقا به ارنی که بجاب ابطالی، المهر فت وسوار آشده و اظهر از سر- بد عبور کرداند جهل دقبقه از ظهر کذشته به (سن رمو). ومبدند و محمد وسر الم ي الداع الم مالك محد و الم الها آمهان جششان به مرادی افتاد که لباس

- نوشته هده بؤد- (مبهنا شغا ته پالاش) 🐣 به 📲 المعاين أمرد منك ابن بود كا كبي را درجمعبت جامجو می کند و بن تزدیك او زفته کفت : كمان مبكنته شمّا حسبور أو بهل لواتيه الهمهجو الهبدو الجس كَفْتُ : المبلى آ قَبًّا الله (بال التر) وا دو نفر ا ديكو كرا بالالاية بالاستعار والمنتجا بالمتحا المتابية المحاج والمتبوهما کفت : از طوف یک خانمی پېنام دارید . اينطور تببت ، 🚽 : جَجَوابُ داد : بلی ، از جانب مادام (مر**ژی)** .

الم يوضيد : در أصبهما فيخا فه شما إست ؟ الد المحمة الحبر از لون أبهاده تشد الم فقط موا صدا زده ، انتانی شما سه نفر ازا داد و آمه ا شما بکویم که در (ژن) به مېټماتخانه رکن ای الانتال) برويد بالم منه منه بالمعمل من ت بهنسبد ؟ او شها بود المعنية معلم منته الم

بالاخواب داد : بلي . به مسطعا بعض ا اللوين "بېشخەمت" مېپاما نىخا نە را ئوخص كردە رو بر فقا کود و کفت : امروز شنبه است و اکر دوز دوشنبه متصوين أعدام شوند ما ديكرههجوقت

نداريم ، بنا براين حتمًا امت ؛ من بايد(دو بوك) بدست آورد. . سورت زا از او بگهرم و ا روز فوشنيه صبح خود را بپاريس برسانم 🚝 (كَرْوَ تْبَارْدْ) بْنَهْ كَبْشْهْ بْلْبْطْ فْرْوْشْ رْفْتْهْ . سه عدد بلبط برای (ژق) کرفت 👯 🕷 ارن سوت زد . 🔬 اون

لو پن در رفتن نردید داشت . کفت : واقعا ما بی فکر کار میکنیم ۴ الساعیه نایستی در یاریس الإشبيم. يَرْكُمني بابع. فكر كرد ما الله بالماني یسی آنوقت درب اطاق را باز کرد ناخود را از ارن پرت کند ؛ و لي ر فقايش مانع شدند و ارن

براه افتاد . . . این وقایع دو روز قبل آزروزاعذام (زیلبر) (و که رای) الماق اقتاد 🗧

۱۰ - [اکستر ادری] ۲ مَجْرُونَ لَيه هَا ثَيْ كَا شَهْرَ ﴿ فَبَشَ ﴾ قُرا احاطه كرده است ، بما بين بدره [بمان له كا] و كذره (سن أسبلو ستر) یك مهما نخانه قشنكی دیده می شود. که عموم مرجم از تخنی و فقهر بسه آنجا ، ما المعنى **الا** معرفي والشار بلا به أر **بقبه دارد**

افكار برأى تشكهل انجبن هاى إيا اتىو الايتىلايحه الرائبت المواده و-المه كمسهون. اخله مجلس شورای ملی ارسال نموده ست کممیہون ہم پس از مطالعہ مختصر ارح و العديلي در آن لايحه تمودمواز غېل وزارت داخله دغوت نمو دند کړ رای نصویب لایحه مذکور به کمشبون رفته لوضبحات لازمه بدهند

يد براڻي ال روز آندشته حب المعمول وزراء لختار بوزارت خارجه آمده هـر كدام به نو به خود با آقای وزیر آمور خارجه ملاقات المودند : المجرم الم ا دعوت از نجار روسبه ا ب ب

حبت دوَّلت أوسط آقاى مشاور ما لك ` فما يندة مختار" إبوان در رو سبه المجار رؤسبه دغوت تمودند كمشركت در المكبل نما يشكاء امتعه وطني الحوان الما المد المع المع المع المع

الأشين فغاهده المجار الي م بقرار اطلاعی که رسېده است کمسېون ىد قرارَ داد لجارتى إيران و رُوس مبه بون ابران: آقای نقی زاده (رئیس آقتی ا رجاندو آقای سهبلی و منصور عضو هبلت مېمېون روس : پاستو خوفو ر ټېس كانوف سان لاشكو يچ) ـــ شوشتًّا بن 🔄 واستروف عضو همئت پس از شکسهل جلسه در طالار کنفرا انس کهمساریای امۇرىڭخارىچە رىمېسى مېشتېون. روش اظهار مبنما بدر برای البهبل معاملات و روابط لحجار لى بين روسه و ايران از هيچكونه مُسَاعَدُتْ وَ هَمْرُ اهْنَ ذَرِيعٌ لَخُوا هُدُدَاشَتْ ايست كه مقرر شده إز ٢٥ فو ژيه ميتثلة -ایران است مجری شو د

مرواست به عکومت بین النهلویشن ازطوف وزارت مالبه بوزارتخارجه دا إفروده است الس كمانيوني الار ايس رزارت خانه نشکیل و مقرر شد قبرار داد های سابق به قوت خود باقی زماند

كفت : خوب ١٠٠٠ بعد ٢٠٠٠ خر خرف برن ١٠٠ آيا شوار فرن شد ۽ ڪري جي ا مسلحوات داد : بلي سوار لرن درجه اول شدو در ساعت شتی و نهم خرکت کرد ... بمن گفت بشما بكويم كه مستو هم در همان فرن است و به (منت کارلو) مېرود . د به بې پا شيمې از مېمه سره او بنَّ كفت : آه ا العنت بن شبطان ؛ كاش به ار أى كه الساعة رفت سوار شده بوديم إ حالا دیکر باید با از نهای شبه حرکت کرد ا شوساعت وقتما بېمهود. نلف شد ! مسر زمان بنظر آنها طولانی جلوه مېکرد . اول ولبط يكرفته بعد هم وم فما خرٍّ مبهما نظامه (فرانكان) للفن کردند که مرا سَلا نشان را به (منت کارلو) بفر ستد بعد شام خورده مذلى هم وقت خود از فروزنامه خواندن كدراندند نا عاقبت صداى صفبو ما مين بلند شد .

اینا براین در عین نزاع و طرفبت لوین پشت به جنك مبكرد و براى پېدا كردن بـزركترين جواب داد : بك خانمى كهامر وزروى تېبا دەزو اد شنن خود از پاريس خارج مېشد و لى نەمېدانىت المَثْرُفْتُ وَنَ كُوْيًا مُنْتَظُرُ كُنْيَ بَوْدُ وَجَهَمَ اللَّهِ الْمَبْرُودِيْ ٢٠٠٠ اللَّهُ حَدَى المعتقد

مكومت بين النهزين اعتراض شود

الذكره عيور the beaters in the

از طرف وزارت الهالبه بإداره كمرك وشته شد كهمطا بق مرأسله وزارتخارجه شره مخصوص بدرای اشخاص کشهر المسافره مدنى است موقوف شده بنابر این آباید از شهافرین شو احل عمان از همين قرار مطالبه نذكر ويتما لد ا متعمده منع اجاره و استجاره

از طرفوزارت مالبه متحد إلمالي بمنوم آمناء مالبة ايالات و ولايات نوشته كه اجاره مما ابات مائ غبو مستقيم ر ئېسكال ما اېټاجازه ، نمې دهد لېدېد مو قوف است مكر در نقاط دور از مرکز و کوجك در صورتی که داو طلب الجارة از اشتخاص معتبر بوده اجار ، را عم قبل از وقت ببردازد عضويت آقايان ذيل التكبل شدة الم ما " الجازه حمل شيناد

از طرف د کتو میلیو به زدار. کمرکات نوشته شد که پس از در اضعساف حقوق شتقر کی پنجاء هزار يوط شمناد بالاجازه دهبد حمل المغرب المناج (مناج لیست می المعنای ا بنکابالالمحکد

محكومة الأدبتيل بورالأت داخله الويتعد بواسطه وكيتونه يشيومن لازماست جاریه امر فه آسر کی جدید که به نفع او کویك محکمه خال مود اردید و شکیل شود لذا تلاينا دارند کم بوزارت عدليه انوشته شود اقدامات لازمه بدای نشکیل معکمه جنا تي تنما بلد ل قد الع واله مبنويسند كه حكومت بين النهرين حقوق الله بي الع معتوق المعادي المعالية المعتوق المعادي المعادي المعتوق المعادي المعادين the main the fill what " كفبل إيالت كبلان بوزارت داخله اطلاع مي دهد جون مد لي. است حقوق لذامة عنى المت كاز طرف وزارت خارجة الجزاء نظميه علمت التادة مترصد كرو و برای این افزایش حقوق ، کمو کی به العطبان جستند فعلاازا فغام آ فعا جلو کبری

شاید دوری آو از پاریس چهار یا پنج روز طول می شبخ ، و دو نفر همدستن (زیلبر) (-و که رای) منالح دو غباب او کنته مسی - . . " . Ji Ji آنشب دا به لموین ابستار سخت مکنشت هرطرف كارخو دراكه مؤرد لوجه قرار مبدا دبه اشكال برمبخور د زهرسو ذا امېدىعدماطمېنان ضغف وقېرم كى وادر نتبجه عمليات خوش مشاهدة لمبنموه م از ممان الحفى سرائنك بلوار مطلع شده بمود الى حكونه مبتوانت مطمعةن شودكة (دوبرك) مكان آنوا لغبير فدادماست ؛ يا فرضا همما كر لغبير. ﴿ قداهماز كمعا معلوم است که صورت بیست و هفت نفیر در آن یافت شود م ال به مسید سن یکی ا الله ج بعلاوة از طرف ديكر (كلاديس) بغبال

خود) دوبرك را العقبت و مراقبت او مي سرد در صور آبه برعكن (دوبوك) مراقب بود و شابه مبيغو اطت او دار بسه مكانى ك قبلا براى أيسن کار نهبه شده بسود بېسود و خېسا لات سوء خود را در باره او بموقع اجرا کدارد .

باداره بالبه كبلان ناكبد زمايند ك وجل جه زود فرجتوق عتب افتا دم اداره المعاد لمجا رت شرق از قرار اطلاعات واصله که بونی در روسیه برای المعاد : مجارت شرق مو کری شب هااز دوساغت از شب گذشته الشكبل و از طرف هبأت مذبوه اطاق الشكبل و در ساعت شش ازشب كدشته خا لمه إبد 🔬 🍸 🔆 the product of the second s خبالات (دوبسرك) آشکار بود . ولی آیا ﴿ كَلارِيسَ ﴾ خُودٌ رَا نَسْلَبُمُ أَوْ مِي كُرَّد الْزُقْرَا تُنْ معطوم شقه بنود كابن مادر ببجاره براى نجات و چرش از هیچ کاری خود داری نمبکند! بنا بر این لو پن زیر اب کفت: ای بد ذات ! اکر بدستم

> سه ساعت بعد از ظهن بمقصد وسبدند ولي 36P-PT م م الوين هو جه باطراف نکا، کو د آثري از (کلاريس) و خبالات ما بقش قوت کرفت . از اجراءنرن بعضی سڈو الات کرد و ای ہمچیک از آنها زن ومردی رأیه نشانهای کهار مکنت ند بده بو دند. بنا بر این لازم بر د که کلیه مهما نیخا نه های بزرك شهر را لقتبش كلد و ابن كار وقت زياد فردا شب بو لسوین مسلم شدکه (دوبرك)

و (كلاريس) در. (ممنت كار لو) و (مناكو) مستخدمت های مبهما نخانه را در بر داشت و بز کلاهش

من في الله المن المراجعة الم water and the a constraint of a web in la salme The straight the straight of the

Y min the the

۲ قای مذیر محترم ما بقه عجب و داوری پر زحمتی رآ اعلان فرمودید الم یه زیرا دو کلمه (ژنوخوب) هر دو مترادفند جکونه می شود یکی را بدیکری الوصيف کرد ہے بذينهی است کہ ہر وقت خوبیرا بجبری نسبت می دہند ہمای آن چېز برای هرکو هرچه اختواع یا خاق شده خوب است مندلا چشم بسرای دیدن عضو بسپار خوبی است اما برای شنبدن ۶ سخبر ۱۰۰۰ بنا بر این جون زن فرای در خلق شده است پش فرای مراد هم خوب است ـــرّاجع باين كه ذن جرا براى مرد خلق شده ووظايفش المبت بدوهر جبست لابد هو کس بقدر ازوم و احتباج بکلبات و اصول این قضبه بی برده و فروعات ی بنای ج آن هم نسبت بطیایی و سلبقهای اشخاص فرق می کند 🗧 🚛 محاسن زن بر دو قسم است ، یکی محاسن ارادهٔ دیکری محاسی دانی

و الفاقى _ در اين مايقه همه كين لصديق مبكنند كن موضوع محاسن إراده المناج المات بي زيرا كه جان منظر وجاهت و غبر. كه از محاسن ذالى است بشهار خوب المسلم است ولى أين خوبى را بإيد بخالق منتنب داشت ــ لحصبلات متداوله و نوشتن الم و خواندن و خوب لریبت شدن بی نهایت مطلوب است ولی این خوبی هم بهدر. التي الم الدر يا مر الى خوب منسوب است ابدا ربطي بخوبى زن ندارد? شايند خا نها أى منتشب مهن که بوجاهت سورت و ، تحصیل مزینند از مطالعه این نکته عصبا نی شو ندو بنو پسنده حمله الما بندو في خوشيختا نه كرويت با خة المها أي است كه الن در المنجا التر تها طر فداري sof the set work in the second set of the second second second second second second second second second second

المان به مستلجمات من در الجانة ظبقان و استاف حدام ون ولا بابد خوب درد. . مر من المان من قرم داداى الاساف ونجكانه خال باشد : من المان الم ۱ 🛶 نسبیت بشوهر جحبت و عشق داشته باشد البته وقتی که این عاطفه در ضمبرشال بروش فنه و نسبت بهم مانند ماسل و معدوق بودند واضح است که

المام بديها از هو خوبي خوبتر بوده و خلق شوهر را بهترين اخلاق ـــحرفة أش ول نبکو الرین تحرف و خودش را زید آ نزین زجال و از هسه کی بهتر vin Martia

و الما الم المحمد متولا داديداد علوف وزارت ما ابه الم الجار عثما في ارسال شده است و الما بل أظهار داشته لمعت بادرجه ف الم النظمية دا بيردازند انجنن نظارت ____

> ی نجارت شرق للکراف مودت آمیزی به مستعنوان اطاق لمجار لی ایوان و به همت

المسيس بيكونه الوين مبتواندت غالب ود و 🖉

افتادی کلویت را کرفته آنقدر فشار می دهم که خوانت در آید:

ابم البريز المرض كمنبة في متحد وسط ا داده و دينتاري الأ آنرا براي كبلان عابدی پوطی پنجشاهی برنجهسا ٹی کہ تعین نگردہ است ا بروسبه می فرستند بانغ است بر هشتادو هفت هزارو، نهصدو بېست و سچها، نو مان و هنت قران و سبصد دینار . مدین و أما وأجسم به برنجها لي كه از کېلان بداخله مماکمت می رود ـــ آ جه احصا ئبه صحبحی در دست نېست ـــ و لی مطابق لخمېنې که مامورین پټوطنې پنجشاهی زده اند ب حد اکثر آن انه از دوازده هزار تومان الجاوز المبکند اکر این مبلغ را با عدد آرفوق جمسع کنبد می بېنېد که کابه عوايد پوطی ونجشاهي ذر يك سال مماعد از بكصة اهزار الومان آزیاد الر التمی شود 👘 💥 المبتة اين مبلغ معتنا به التت ، از کلیه مالیات معارفی که در امام ایران ا بينيم شده (نوماني دويست دينار و] خرواری بك قران) اجاوز می کند. پس مردم حق دارند القاضای نظرارت ا در این عو اید بکنند . ولی به جه the time of the state of the st البته اكر ولايات ايران از خبت امور داخلی ــــ مثل ایالات انکاـتان یا سویس آزاد بودند ... اکر انجنبی از طرف كالمبة العاالي كتبلان نه فقط شهر رشت انتخاب مبشد مي كفتهم قسوارداداخبر معنی از اها ی و مهایندگان دولت در كبلان أبجا وآبابد لموقع اجرا كداشته شود. ولى باطرز حكومت دالى إيدان-كه مركزيت يكى اذامول اساسى آن است خدى الوان أيُحلبا ووسُولَ وَاحْرَجْ الْمَنْ عُوايَدُورَا بطوری که در مقاله دیروز د کر شد بتدخت أنجمنني شيود كه فقط عدة از سروين وشت الشخاب كرده أند ، إبن ار بب عملي فبلت " " اشت الراء -اختلاف سلق 🗕 ملاحظه دوستي 🖄 مراعات منافع شخصی کار را قلع خواهند کرد از طرف دیگر ماید صدقی کردکه إ مردم خوب رفتار تشده . لمام عوايد دًا بمصرف حقيقي أش أنرسا فده السد . شاید بعضی از مامورین جزو هم ازمقام خود سوء استفاده كرد. باشند. بملاوم ذوات بكصد و حبل وهنت زار لومان رأى معارف ولايات لخصيص

هباهوی لیجار و اهالی ـ یا فشاری

های اداره معارف بالاخره این مشلمه را تا اندازه ای نسفته کرد : در بودجسه هذة السنهوزارت معارف متجاوزاز بهست هزار او مان برای معارف کبلان منظور داشته وهمين كداز نصويب مجلس كذشت از بانزدهم سنبله آنبه خواهندبوداخت و لی بېست هزار او مان بوای رشت

النها کافی نیست . از عواید پاروطی منجشاهي بابد مقيدار معتنا بهي السراي معارف كبلان المخصيص دادر شود وبابد رآ، حلى يبدأ كرد كه هم دست و بال دولت بسته نهشو د و هذم اهما لي كبلان مَطْمَعْنُ شَوْ نَدْ إِينَ عَايَدَاتَ خَفْمَةٍ أَمْصَرْ فَ خود میرشد و از دست باشود ساخیان ، طمع الني: مصمون ؛ وال محفوظ. أست به غقبده ما ذولت بايد در اين بآب قانونی از نصوب مجلس بگذرانسد ک شامل مواد دُيل بَشد : ٢٠٠٠ ۱۰۰ 🚝 نوشط مالبه و کمزلاوسولو در ماليه شمركن يابد . الله ٢ - حساب و دفا لرشعلبجد، و مشخص باشد . الم الم الم الم لى ٣ - : البيج معتر في خز معارف و امور خبريه وصحبه ترسد 2 ---- ٢ ---- آنهوسا لدخوج معارف نود و دو خمس بقیهرا بمصرفخبریهو سحيه برسا نند.... و لي سهم معارف أهيجو قت چەل ھزار لومان كمتر قىاشد ، (باین فر ایب خد اقل بو دچه معارف بېت هزار نومانې که دولت مېدهد شعت هزار نو مان خواهد بو د) با الم بودجه معارف کیلان یہ موافقت النجس معارف كه دونفر نماينده انجمن خبربه داردندوين ؤبوزارت مهارف پېشنهاد نا پس از نصولې مجلس شورای ملی – که و کلای کبلان در آن عنويت دارند 📜 👘 بموقع عمل كذارده شود المستحسن المربل فارضه كالت ٦ - بـو دجـه خبريه وأصحبه ا موافقت أنجبن خبرية تهبهو بوشيله اداره اى كمحل اطمينان باشد _ ماند بالديد قا نو ني يا يك ادار مخبر بهو صحبة بتر نبيني

که امقتضی دیدا ننگ اجر اشو د آ ٧ - آنجمن خبر ٢ - كازمبر زين محلاً با عضوبت رئبس مالبه و رئبس مارف و رالبس جلدیه شکیل هیشو د ... در لهبة بولدّجه مقارف و خبرية ماحب ای خواهد بود. مایند کانش حق نواهند داشت در آخرهرسهما، بدفا از ا حداب رسېد کې کنند . ? در - آخر هر: بنه ماه ضورت حمان کلېه عرايد طبع ونشل خوالهد شد . · دن مو قعی که · أنار نده در کبلان وزارت معارف پېشنهاد کرد . آنهاهم مجلس أقد م كردند . المكن در كذراندن لى لايلخة مسالمتحه المؤدند و ازا بنداة بمعارف كبلان ألطعه زياد وارد آمدر بأرى _ أكرچنين قادونى ازمجلس مکذرد و مجری شود کے ہم دولت وادر ځو اهد بو د غو ايدې که براي خبريـه معارف وضع شد ـــ مطابق احتباجات احل _ بتر لبب صحبح و معبنی خرج تند و لهم الها لی مطمقن خواهند شدک بمصرف تحقيقي اش رسيده از هر كون. دست چرد محفوظ و در امانخو اهدبو د

مديق أعلم منا اشارشهری -اقامت در فرح آباد مع بقراري كه منها اطلاع وسبده است علىحضرت هما يو نى به فرح آيا د نشر يف ده و نا موقع حرکت بېلاق درقصر آباد الشريف خواهند داشت يه المجاسين المتسجلسة وززاءهم شاسیت ماه رمضان مقرراً کردید ایان وزراء از دوساعت بعد از ظهر غروب در وزارت خانه های خود مشغول امورات جاريه باشند ومقارن غروب هبتت وزراء آمده جلبه وزراء فز اين سيك ماعة شب تشكيل حواهد شد آقای وزیر فواید عامه قرب یک هُنَّةُ است كم يُواسطة كَالْتُدَرُ وزارت خانه خاضرم نشده: (به الم اشكبل انجمن هاى ولابتى حبثت دولت پس از مدا کره و شاذل

> س شك بلور المحمد المحمد : جه فا ثده دارد كه بفهمهم (دو برك) بالمسجود جكونة وارد إطاق شد . . . آنوقت کاغذ را بر داشته یکدفعه دیگر پشت الله و دوی آنرا معاینه کرده کفت : برویم ا ن الله يوسيدند : كجا يويم ؟ بالله وعاما القامة جواب داد : به کارلېون . ا کمفنند : شما مطمئن خستبد که اید واکار امون المجنوع وفت ، بالمحمد المحمد المحم المحمد مَنْجُنُهُ هُبِيج حَبِنَ الطَّمْبِنَا نَ نَدْارَمَ • اما أَزْ كَاغَدُ هُمَجِهُ مبقهم که با بد مقصود کارلبون باشد ... صور میکنم كة (دوبرك) به تمارشي) بابه (ك دازور) الله المتحرود المحمد المراجع ا

ساعت هفت عصر بود که او بن با همدستا نش ازمبهمة اخانه (قرا نكان) خارج شدما الومو بهل

بطرف فار. (لبون) شتا فتند جو لي همېن کهانجا رسېد ند ايدا اترې از (کلاريس) نېافتند . الوين كفت : (دو برك) با ازن عسر مبرود حالاً هم ساعت هغت في نهم است ! پس (كالاريس) الرن در شرف لخرك بود ، لو بن ورفقايش سام اطاقهارا کشتند ولی نه (مأدام مرزی) را ديدند في الم (دو برك) در المايند مد ال مد الما للمبن كه خواستند از دركار خارج شؤند بكمنفو خمال جلو شان ا - كرفته بكفت : مهان شما كدام بك "مشبو" (بال "لو") الت ? المجرية · لو إن^{بر}با كمال عجله كفت : من احد مبعنوا هي بكو أي ا المراجع الم المراجع المراجع المراجع المراجع المجاركة : عجب أميهو (؛ ل او) شما هستهد ، هم مِمن كفتُ ركه آ نها ممكن سه باجو نفر اشند . . لو پن کفت : ارا بخدا زود باشحرف بزن

کدام خانم را مبکو ٹی ۲ line in the second

بران ـــ او ابهای نظامی فرانسه حکمی [وافر جاری نبهن زوخا میون نو بید ممود ... در بی به محمی بر

🔹 شدار. ۴۲		ا به در د از اد		F and
			and the second	
مظفرا فالجام دهدك همجهك ازمتحدين	قرار دادهای موجوده مطابق است .و	اعتصاب فيمنحا كمه جلب مبشو ند سومايه	مانیک میسیم کالنظیمها تکریز ابی است. مربق میشیم بینیک انداز در مانی ا	احار جارها
و متعقین سابق او دنجش حاصل تنمایند	لنها محکمه عدالتی که امروزوجودخارجی	اعتصابی کار کران زارع چهارهزار پوند	در طی مذا را ای که در مجلس	
در آن مسو قسم حکر مت	دارد این اقد _{اما} ت را اصدیق نموده این اصدیق موقعی به الجدید نظر	انکلیس است بین کار کرانوکار فرمایان مناغت	مبعو ثان بعمل آمد سرسامو للعر) جنين	اخبار رویتر مورخه ۸۸ آوریل ۱۹۳۳ .
واشنكتن اقدامى نكرد	ارجاع خواهد شد که بازیک و درآنسه	ساختمانی موافقتی حاصل کردید کر	اظهار داشتکه درعرض سه مر نبه عملهات	الما والم المن المتبازات أجديد في الما
و مشله برداخت غرامات جنگی و ا	مُتَفَقًا * بَطَعِبْ خَاطُو * وَنَنَا بَتْ خُودُرًا `إعلام	حل لمام مسائل متنازع فبدر بحكميت و	نظامی هوا تی در غرابی و کردستان دو بی	میں منالکر اف واصل از آ نقرہ جنین حاکمی
نا دید قروض سایر دول بامریک نمامی میشند. 	I are what the part of the strate strates	بر كذار كنند و المعد شورين الما الم	سه صاحب منصب مقتول و بك أنفر منجروح اشده است و همچنین اذر اوریز ستان شه	است که در ضمن امتباز الی که بسه
مەرى * تى دۇرامات الازونى اينىتا دىكى مى كرد	المجام بهمچوجه نمی خواهبم بکو نبم ک		نفر بقتل رسمده اند و بطوری که معلوم	الله الما (حيستر") مؤسسه آ ضربکاتی داده شده
الختمال قرى مهر فت قضبة ديون أرويا با مريكا	رفتار دو دولت سابق الذکر از زوی	المراجع التي المريس	شد. است بوسباه عمليات هو التي در مقابل	است خینین مقرر کردیده است که.۲۷ مېل خط راه آهن جدید که یـه بُخر
به متصلات نا تلطبوعی مواجه بدود	عقل و مدانت است ما ممد رتج ما مدان	به به معند می میتون کی میتون انگلستان ـــ در جوانی که وزیـر	قبايل عده مقتو اين كمتر خواهد شد .	اسود در (سامنون و اربوزان وصل شود
المج فتبهمان علت ستباست عزات و سناره	ی پید. قا نون با نها حکم پی کر دہ است کہ در.		و كلبه اين عمامات برحش لقاضاى مصادر	میرد با ساخته شود و بدینظریق از ضروم آیا
كَبْرى ﴿ إِنَّ اخْتَبِارَ نَمَوَدُهُ هُمَّانَ خَاصِبَت	و لصرفات خود وافشاری نمایند وابند و	تجارت ببکی از نمایندکان مجلس مبعو ثان داد اشعار داشت که فرانسو بها بــــه	امور کشوری بوده است	مربوط شودو یک خط مستقیمی
المروز أنبز دُرَّ خط مُشي ألمربكا مؤتر .	اما هو کن تغبیتوان منکری شد که میا اوت و میاداد. اور می مداور از منظری	داد اسعار داست که فرانسو بها بسه هېچونچه در ناحبه روهر مانسع فحيارت	which and to be a store store to	المحادة از موصل الم بحر اسود امتداد بابد و
	وتشاريع والمعاسات همج ديدا العاري	المبايع مجر العبه ووهر مادع مجارت آنكلبس فبستند باكه بعكس أمام أسهبلات	وبی سمیم مسکی ا	مسمع معد آین خط با خط رام آهن بعداد رقابت
روزنامه ما پېوسته پېرو آړول مقدس	المنا هتج وحدافر ستا شا نيخه اهد كردمه	لازمه را فراهم، كوده اند م بالاخرة	steel c with heads 1 the train	ی با اس نماید و هم چنین مقرر شد. است کهشهر
استراك بين آلمأسلي أبودهما تحميشه كفته	الله ما يا هذه العتما المراي مراي قده المرحة م ت	دو لت انكامش مصمم است صميمي اريش		آ نقره به طرز مکمل ار ی از نوساخته
و الموشقة اليم حال مم مي توثيمو لكرار	، اويد جرج از ناحمه الازوني نيرون	روابط دوستی با فرادنه داشته باشد بهر	رو لېوسېو نر های سابق اظهار په په کنکره د لېوسېو نر های سابق اظهار په په کنکره	م محمد شود و اکر بطوریکه قرار شده است در
مبکنتهم که ترای ۲ استقراق صلح و مسلم بایستی کرد شخم آ بد او اهمتر کااختلافات	و- این نکته وانبن از نظراها فراموش	المع قله فرانسه مشدر تجشن افتتاح بادبود	تُحرب كمو نيمت أرسال "داشته و" أخطار	هرسا ابی ۱۲۵ میل ساخته شودکلبه خطوط
ويسمى مود شم و به تو مصدر داخيروان را : متر لهم اساخت و الا بايد تم ماده جنك	الكنبم كه زمانت المازوني درحد و أسرد.		کردہ است کہ نہ ہزار قابر ازکار کہان	هر عرض ۱۸ سال خالمه خواهد یافتو
قر کشتارشد بی پیند این بند.	مجمعی از نمایندکاندول ذی علاقه بر ای	از طرف رئيس الوزرا يعمل آمدمشار	قديمي خزب سوسبال ووابوسبو در حاضر	خبر از متخصصين و اوستادان فنی ساير. اور از متخصصين و اوستادان فنی ساير.
لرجمه از ع جا	حل مُسائل متنازع فبه ارويا دعوت ذمايد	البه نطقى ايرد كرد دلايل إشغالا روهار	Lude in a state water in the	کار کران بابستی از نستر کها استخدام
روز فامه بومیه کریسجن سبایتی موقبور	و این امر دا نبز بطوری می نوانست.	را بهان و خاطر نشان، کرد. که فرانسه		می موند از با می در می از
		از نمام مما لك ديكر بېشتېر در جنك زجر	میکو ۱۹ ک خلبفه اینخون درستن ^ه	مع بال يسم عمد الله ولا تها والما تها والم
	and the second second	کشیده اشت . بالاخره اطمینان داد که فلسرانسه بالاخره اطمینان داد که فلسرانسه	المحقبتات مقدمانى اقرار كرد كه استناد	with a work we want the there we want
مع بوبي المدينة الم	والمعالية المحرورين مساير	میچ قصدی غبر ازوسول مردن غرامات میچ قصدی غبر ازوسول مردن غرامات	مثارالبه باخكام كابسبا ثي براى قدغن	بران برما جنين اشعار شده .
illy shall be the type	المع دي و المعلم علم من وا مع من الملاق	نسدارد و همچکس نمه واند اده کند	نسلېم جواهرات کلېسېاها بېنفېت قحطی زدکان کذب وباطل بو ده است	است که از ناریخ ۲ آوریل بعنی موقع نصرف اراختی رن ناحال ۶۸ ذیر آلمانی
ب من آنکلیسی به المید بولی ب کانی آنکلیسی ربن (میچ) فو نبال بین کلوپ طهرانو	المحمدة في ما سعين المعد از ظهر الخ	فرأنه خبال فصرف ممالك خارج، را	مـکو ۱۹ ـــ از قراری که بی سبم	ماری معتول شده انداز میشود ارد است. مارید از معتول شده انداز میشود از از این
وبن رسی بود خاطر آقا بان او میرانو م بازی شود خاطر آقا بان ال مستحضر	یکاوب کملنی انکلیسی که قرار بود در کالو			
ارى مواهد شديماميلاته، هدان را دو.	الممين ساؤ الملي كا ور و مين الجو د الكليسها	to to I and in a and I . Not to i	الجامعة كابسباى روس كم عما قريب ور	من بالمعنى من خالمه اعتصاب ،

. .

.:

می سازیسم که در زمین خود انگلبسها بازی خواهد شدعموم علاقه مدان را باین	the factor with a serie of the series of	ج معه هب ای روس که عما وریب کرد.	المستحقق المعتما بات عمومتي در ممل
الماشاي ، متجانل دعوت مبتدا لهم الم حديدة الدين ال ماليسة العباق م الله الم		ملكو الشكيل اخو إهمد يافت در لخت ا	خبا امه یافته چندین دسته از کار سران
ا بالما المحل محما بقد المجترون قدوازه بوسف ؟ بالت الوطبيل خاته اللج	١٢ - مطبوعات خارجة المسبعة	كنترول حكومت أساو مي بتوسط لدسته	شروع بکار کرد. اند و اغاب دکا کین
نهر. اعلان ۲۲ ^{مصل} ع المعاد اعلان ۲۲ معاد اعلان ۲۲ مع		ساو ای نشکهل میبا بد دروغ و عاری از	منتوح كثته است
Inde the reaction of the second		حقبقت است . در این جا معه که از	
	1.1. Junit 1. 5	طرف اداره روحانهون در مسکو شکیل	المحمد المحمد المحمد المجنودي المين والم المحمد ا
It is i letting a late to the second second and the	عدم احتمال دخالت آمريك والع	مَبا بد المام تجرياة ت كلب ما أي مطوح	بند الله الله الم
and the state with the second and the	المعتقب الوية المجرج في بالمبرار و ابرام تقاضا	و نما بند کان خلبه های قه طنطنبه و اسکند ، به	اطلاع رسبده است مزاج لنين قدرمى رو به
مر المر من من من من من النامة المراجع ا	می کندکه دولت انازونی برای شخص	در آن حضور خواهند داشت از قرار	
به به الم الحيبة الصلى به مع الجمع على مر .	مبزان استطاعت ما ای آلمان با دول ارو با	مدارك متدماني قمايند كان هفتاد و دو	بهبهودی کدار دماست ۲۰
	لوجه مساعي نمايد	ناخبه کلبشها تی در این خامعه شرکت	main a sin and and and and a single and
منتكى منتكى البره الزاري المبنك البره المناك	مستعمد إين همهاصر ارسيكويا مواي انتزردود	خواهند داشت بنا باظهرارات خلبقه	محکمه فظامی آ مېنس سه نفرساحب
سهام بانك شاهنشا هي ، قرضه ۱۹۱۲ دولت ابران ، متعارفي كمپاني تفتجنوب ،	که ساز ستوط از کرسی ارجمند سدارت	انطونى در مجامع روحانيون ولايات	المعامة الما في وا مح ذر ١٩١٨ در لون
، ، فرضد ١٩١٦ دولت ايران ح	و امحاء نفوذ سبا سی وی بکیار، دیکر،	اكثريت را دستجات متجدد حائز شده	مر لک غارت شده بو دند محکوم به
· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	اسمايشان بأخطوط فرشت دربالاىجرايد	و بېروان لېخون بندرت ديده مېشو ند	المجاب أيال إعمال شافدو ببستسال اخراج
، متعارفی جدید و در در است	1 12 same and a state of the state of the state of the	"در جامعة که در شرف تشکیل آست سنڈله	از فرانسه نموده است
	اکر حقبقة ور احت ناتير اينکونه	راجع به نظريات روحانهون در قضبه	
		الفكيك روحاً نبت از دولت وهمجنين مسائل	الهديد مخالفين
مده ع مديد المريد المريد مع المريد المريد من المريد الم	مو فقبت نصب ايشان بو ده است . اما	واجعه بحبات داخلي كلبسب مطرح خواهد	المربق الملامبول ۱۲ – خزب دفاع ملى
	بد بختانه باید از روی اضطوار به ایشان		عثما في لايحه تقديم مجلس ملي آنترة
ما الما الما الما الما الما الما الما ا		احتمال استعفاى كاببنه انكلستان	المحاج المؤهدة است أمتعوير أينكه هرة كسءملا
لندن مكتوبي. ٥٠٤-٤٩ ٢٠ -٩٠ المتحقي المورك محمد مع المعالم المعالية المعالي		الندن 12 - در محافل سال اندن	الم
، للمدن مكسوبی		احتمال ننبهن كاببنه بونارلو بواسطه كماات	بر علبه حق حا كمبت المت نماً بد جزو
باريس بالمراجع المساني	مسلا المالية مقد ومن والمدين المسلكون	مثار البه خبلی مطَرَع مذا کرات کردید.	خبا نشكار ان مُخْسُوبُ خَوْاهُمُ أَشْدُ مَلْبُون
سوس ب	اشغال فالصرفات غاميانه آزمآ هندزها	است در محافل مزبور اورد کرزن را	می خو اهند بدبنو سبله مغا افین خو د
تېو برك ٥٥ ـ ١٠ ١٠ ٨٠ ١٠ نقره لندن	and the set of the set	جانشين مشار انبه مبشمارند بو آيه، ورو	الم
دو ببه بمبلی ۲۲۲۲ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۲۲۱ ۲۰ به به بمبلی ۲۲۲۲ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰	المادام كه دعاوى آنها كاملا وسيد كر	در انکلستان بر مار مار	الم الم المندي الم الم الم الم الم
	مشده رفاقت ها و دخالات بين الملاء در	١٤ - شش صد، نفر از . كما تى كه	in in a set and when white even a finite
		در اعتصاب کار کران زراعتی شرکت	eces in the second s
مطبعة بي سعوف شبه (٢)	اعملمات آنها كاملا با امول ومقررات.	داشتند بالهام لروديزه كردن خارقين	
		and a second	an a ser
a de la companya de l			